

متن پرسش

سلام استاد- شاید سوالم طولانی شود ولی خواهش میکنم بخوانید و مرا از این حال نجات دهید- استاد من اکنون دانشجوی سال سوم پزشکی ام در خانواده مقیدی بزرگ شده ام و ظواهر دین را رعایت کرده ام تا کنون- ولی عمیقا ایمان نیاورده ام- میدانید شاید کسانی که مرا میشناسند این حرفهایم را بشنوند تعجب کنند چون من چادری ام از بسیجی های فعال دانشگاه و حامی انقلاب و رهبریم- ولی مشکلم این است که خیلی شک میکنم گاهی حتی به خود خدا.. با خودم میگویم من که چیزی ندیده ام همه اش یک سری احساسات بوده که تابحال داشته ام از کجا معلوم که حق باشند- واقعا چه دلیلی دارید استاد؟ ما که نه پیامبری دیده ایم نه امامی- به چند کتاب و روحانی چرا اعتماد میکنید؟ چه دلیلی برای بودن امام زمان دارید/ ایا دین فقط برای این نیست که مردم خوب باشند خب راههای زیادی برای قانع کردن آدمها هست که خوب باشند.. این همه مردم که در دنیا بی دین زندگی میکنند چه مشکلی پیدا کرده اند؟ چرا من باید دیندار باشم؟ میدانم فواید روحی اش را ولی میدانید راههای دیگری هم برای یافتن فوایدش هست.. مثل خوب بودن با مردم خب هم احساس خوبی خواهم داشت هم دیگران بامن مهربان خواهند بود.. چگونه باید به تاریخ ومثلا قضیه اصحاب فیل اعتماد کنم/ اصلا قبول که خدا هست مارا برای چه افریده؟ چرا به ما نفس اماره داده یا مثلا شیطان افریده یا اصلا میل به گناه داده که حالا ما بخواهیم توبه کنیم یا نه عذاب شویم؟ میدانید دلیل خاصی برای رد وجود خدا نیست ولی خب دلیلی هم برای قبولش نیست! من از اینکه در تنهایی و هنگام نماز هیچ نشانه ای از خدایی که در راه دینش حتی تلاش هم میکنم ندارم در عذابم استاد.. بعضی کتابهای شما را خوانده ام سخنرانیهای مذهبی مثلا آقای پناهیان را گوش میدهم.. ولی نمیدانم چرا گاهی به این شدت از درون احساس پوچی میکنم احساسی که به من میگوید شاید فقط دارم سر خودم را گرم میکنم یا به این دلیل که شجاعت نفی ندارم همه چیز را قبول کرده ام.. یاد این حرف راسل میفتم که میگوید انسانها از ترس برای خودشان مذهب ساخته اند.. از ترس حوادثی که نمی توانند کنترلش کنند به خدا پناه می برند از ترس آینده که نمیشناسندش- و به خاطر نیاز به دیگران به آنها خوبی میکنند و اسمش را دینداری میگذازند اینطوری غرورشان را هم حفظ میکنند! من واقعا در عذابم استاد اولین باراست که اینگونه راحت درونیاتم را میگویم.. کمکم کنید.. شاید مسخره باشد ولی من هرروز به همه چیز شک میکنم و دوباره مومن میشوم.. جواب علمی خیلی از سوالاتم را میدانم ولی هیچ کدام مرا اغنا نمیکند.. به خاطر گناه است؟ خب باید ایمانی باشد که به خاطرش ترک گناه کرد.. استاد منتظرم.

باسمه تعالی: سلام علیکم: دینداری برای آن است که نفس ناطقه‌ی انسان که حقیقت مجردی است بتواند با خدا مأنوس شود و در ابدیت خود در این اُنس که عالی‌ترین زندگی ممکن است به سر برد. پیشنهاد می‌کنم برای رفع این مشکلات سیر مطالعاتی موجود در سایت را دنبال کنید چون بر مبنای معرفت نفس تدوین شده که انسان را با حقیقت خودش که امکان شک در آن نیست، آشنا می‌کند.

موفق باشید